

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش : امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »
مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و
مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی

بسم الرحمن الرحيم زنان شما گشتزار شما اند؟

پروردگار با عظمت در قرآن عظیم الشان میفرماید :

«ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن فاتهن من حيث امركم الله . إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين . نسأ وكم حرث لكم فأتوا حرثكم أنى شئتم وقدموا لانفسكم واتقوا الله واعلموا انكم ملائكة وبشر المؤمنين .» (سوره بقره آیات ۲۲۲ و ۲۲۳)

«از تو در باره (آمیزش با زنان هنگام حیض) سؤال میکنند بگو : که آن نجاست است برای زنان باید که از زنان در حال حیض کناره گیری کنید و با ایشان در حال حیض نزدیکی جنسی ننمائید تا وقتی که پاک شوند پس همینکه غسل کردند و پاک شوند، پس نزدیکی کنید با ایشان از جایی که الله به شما امر نموده است . (و راه طبیعی زناشوئی و وسیله حفظ نسل است) با آنان نزدیکی کنید هر آئینه الله دوست می دارد توبه کنندگان را ، دوست میدارد آنهایی را که در پی پاک شدن هستند .

زنان شما گشتزار شما اند از هر طرف که خواستید به گشتزار خود درآئید و در صدد پدید آوردن یا دگاری و نسلی برای خود برآئید و از خدا پروا کنید و بدانید که شما او را دیدار و ملاقات خواهید کرد و مؤمنین را بشارت ده » .

در آیت متبرکه سوره بقره که در بالا تذکر یافت ، پروردگار با عظمت ما احکام زناشوئی را که وسیله حفظ نسل بشری در روی زمین، محبت و تنظیم کننده بخش از زندگی انسانی است، با دقت و حکمت خاصی به شکلی که برای انسانها بیشتر قابل فهم است، بیان داشته است .

الله تعالی در این آیت متبرکه ابتداء به روابط زناشوئی در حال حیض می پردازد ، و احکام آن را بیان می دارد . در این آیت متبرک به مسلمانان با صراحت تام امر می فرماید ، تا زمانیکه زنان شما از حیض پاک

نگردند، نباید به آنان نزدیکی نماید، و به تعقیب آن فرموده است که: «**نساؤکم حرث لکم ، فاتو حرثکم انی شئتم**» (زنان شما کشتزار شما اند پس بیایید به کشتزارتان به هر نوعی که خواهید) کلمه «**حرث**» مصدر و به معنای زراعت است و مانند زراعت بر زمینی هم که در آن زراعت می شود، اطلاق می گردد. علماء می گویند که کلمه (انی) از اسمای شرط است، که مانند کلمه (متی) در خصوص زمان استعمال می شود، البته گاهی اوقات در مکان هم به کار برده می شود.

حالا اگر کلمه (انی) در آیت متبرکه به معنی مکان استعمال گردد معنای آیت عبارت است :
 «**شما به کشتزار خود داخل شوید ، از هر محلی که خواستید**» ، و اگر کلمه (انی) به معنای زمان مورد استعمال قرار گیرد، معنای آیت عبارت است از :

«**شما هر وقت خواستید به کشتزار خود بروید. ولی مکان آنرا زنان انتخاب می کند ، نه مردان .**»
 خلاصه به هر معنایی که کلمه (انی) مورد استفاده قرار گیرد ، می خواهد این اطلاق را برساند ، مخصوصاً با قید «**شئتم**» این اطلاق روشنتر به چشم می خورد ، و این همان مانعی است که نمی گذارد جمله «**فاتو حرثکم**» دلالت بر وجوب کند ، چون معنا ندارد عملی را واجب کند و به تعقیب اختیار انجام آن را به خود واگذار کند.

اگر به حاصل کلام در معنای آیت متبرکه «**نساؤکم حرث لکم**» توجه نمایم در خواهیم یافت که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است به انسان کشت کار، همانطوریکه کشتزار برای بقای بذرونسل لازم است، و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می شود، و کشت کار، و دیگر غذائی برای حفظ حیات و بقای آن نمی ماند، همچنان اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی یابد، و نسلش از روی زمین قطع می شود، در این هیچ گونه شک نیست که پروردگار ما تکوین و پدید آمدن انسان و یا به عبارت دیگر انسان را الله تنها در رحم مادران قرار داده، و در مقابل طبیعت مردان را طوری قرار داده است که متمایل به سوی زن باشد. و در بین هر دو جنس انسانی (مرد و زن) مودت و رحمت بر قرار بوده و به اثر همین جذب و کشش وسیله باشند برای بقای نسل انسانی.

زنان شما کشتزار شما اند پس بیایید به کشتزار خود به هر نوعی که خواهید. این معنا را می رساند که می توانید با زنان خود چه از طریق پیش رو و چه از طریق پشت سر و چه به شکل خوابیده و یا هم به شکل ایستاده چه شب باشد و چه روز، قرابت نمائید، ولی در همه این احوال از مجرای فرزند، مجرائی که **فرزند در آن تکوین** می یابد، **و در جایی که نطفه در آن زرع** می گردد، و طفل از آن به دنیا می آید. باید به کشتزار که همان فرج زن است. در محلی که «**من حیث امر کم الله**» (در محلی که خالق تو بدان امر نموده است) داخل گردید.

دُبُر (به ضم دال و سکون ری) و عقب زن هیچ وقت کشتزار نبوده و داخل شدن به آن به اساس حکم صریح قرآنی حرام می باشد. «**فأ توهن من حیث امرکم الله**» پس نزدیکی کنید با ایشان آنطوریکه الله تعالی بدان امر نموده است. (بقره آیت ۲۲۲)

نه تنها قرآن عظیم الشان از جماع از دبر منع فرموده است، بلکه پیامبر اسلام و ناجی بشریت محمد صلی الله علیه وسلم با صراحت فرموده است: «**لا تأتو النساء فی أدمارهن**» (نیایید زنان را در دبر های شان) (احمد، ابن ماجه و ترمذی).

در حدیثی دیگری از حضرت ابو هریره (رض) روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است :

«ملعون من أتى إمرته في دبر» (لعنت شده بر کسیکه بیاید زن خود را در دبرش).

(احمد واصحاب سنن) به سند صحیح روایت گردیده که حضرت عمر (رض) به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «حولت رحلی البارحه» (یعنی وارونه کردم بارخویش را دیشب) پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أقبل وأدبر وأتق اليحضة والدبر» (بیا از جانب پیش و از جانب پس و پرهیز کن از وطی زن در حالت حیض و در دبر) (احمد)

بدون شك که ضرر جماع شخص بازنش در دبر کمتر از خطر جماع در حال حیض یا نفاس نیست. بنابراین مهم بودن موضوع است که پردگاری ما در بدو آیت متبرکه مسایل حیض را توضیح و تشریح می نماید و بعداً به مسأله که زنان شما گشتزار شما اند می پردازد.

حیض :

همانطوریکه ملاحظه فرمودید :

الله تعالی در بدو آیت (۲۲۲ و ۲۲۳) سوره بقره میفرماید: «ويسئلونك عن الميحض قل هو اذى ..» کلمه (محيض) مصدر (حاضت المرأة حيض) است ، ومعنى أن چنین می شود :

« حیض جریان خون است که از شر مگاه زن بدون ولادت و پارگی در حالیکه دارائی صحت است ، خارج می گردد » و چون این مصدر مختص زنان است لذا اسم فاعل آن را مذکر هم می آورند ، و می گویند زن حایض .».

« محیض » پردگاری «اذی» معرفی داشته اند ، و این بدین معنا است که خونی که به عادت زنان متعلق می گردد ، و از عمل خاصی حاصل می شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی زن انجام می دهد ، و مقداری از خون طبیعی او را فاسد ، و از حال طبیعی خارج نموده ، و به داخل رحم می فرستد ، تا بدین وسیله رحم را پاک کند ، و یا اگر جنین در آن باشد ، با آن خون جنین را غذا دهد ، و یا اگر طفلی به دنیا آمده ماده اصلی برای ساختن شیر جهت طفل را آماده سازد.

مفسرین تفسیر کلمه « اذی » را به معنای ضرر گرفتند ، و محیض را هم به معنای جمع شدن با زنان در حال حیض گرفته و در مجموع در معنای آیت متبرکه گفته اند:

« از تو می پرسند آیا در چنین حالتی جایز است که انسان با زن خویش آمیزش کند ؟ در جواب آن گفته شود ، این عمل ضرر است. و این مسأله به فهم منطقی هم دقیق است طوریکه اطباء هم گفته اند : « طبیعت زن در حال حیض سرگرم پاک کردن رحم ، و آماده کردن آن برای حامله شدن است ، و جماع در این حالت این نظام را مختل می سازد ، و به نتیجه این عمل طبیعی یعنی به حمل (وبه رحم زن) ضرر می رساند. پس » فا عتزلوا النساء فی المحیض ، ولا تقر بو هن ..» کلمه «اعتزال» که جمله «فاعتزلوهن» امر از آن است ، به معنای عزلت گرفتن ، و دوری جستن از آمیزش است . و مراد از اعتزال ترك نزدیکی از محل خون است .

سبب حیض:

ام المؤمنین بی بی عائشة (رض) روایت نموده که پیامبر اسلام در مورد حیض فرمود : «إن هذا امر کتبه الله تعالی علی بنات آدم» (متفق علیه) (حیض امریست که خداوند تعالی بر دختران آدم لازم کرده است .)

نظریات مذاهب مختلف در مسأله حیض:

در مسأله حیض یهودی ها شدت عمل را به خرچ داده اند ، مردان یهودی در حال حیض زنان ، حتی از غذا و آب و محل زندگی و بستر زنان دوری می کردند ، و در تورات نیز احکامی سخت در باره زنان حائض و کسانی که در محل زندگی و در بستر و غیره با ایشان نزدیکی می کنند وارد شده است.

اما نصارا ، در مذهب خویش هیچگونه حکمی را در مورد جماع و نزدیکی با زنان ، ذکر ننموده اند . حالت مشرکین عرب نیز در همین وضع بود ، ولی ساکنین مدینه و دهات اطراف آن ، از این کار اجتناب می کردند ، و این بدان جهت بود که آداب و رسوم یهودیان در ایشان سرایت کرده بود و همان سخت گیری های یهود را در معاشرت با زنان حائض معمول و مراعات می داشتند ، و اما سایر اعراب ، حتی این عمل را مستحب هم می دانستند ، می گفتند جماع با زنان در حال حیض باعث می شود فرزندی که ممکن است در نطفه به وجود آید خوانخوار باشد ، و خونخواری در میان عده ای از عشایر عرب صحرانشین صفت خوبی به حساب میرفت.

جماع در هنگام حیض :

شریعت اسلام به اساس حکم قرآن عظیم الشان جماع در هنگام حیض را منع و حتی حرام اعلام نموده ، و پیروان خویش را از آمیزش در حال حیض منع نموده است .

دین اسلام به صراحت تمام به پیروان خویش هدایت داده است تا « از زنان در حال حیض کناره گیری نمایند. » ولی در سایر معاشرت با زنان حائض راه وسط و میانه را نه افراط یهودیت و نه تقریط نصارا را در پیش گرفته ، و به پیروان خویش هدایت داده است که در هنگام عادت زنان از محل ترشح خون با زنان خویش نزدیکی نکنند. ولی از سایر تمتعات میت و اند مستفید گردند.

همه علماء بر این رای اند که جماع مرد با همسر خود در حال حیض حرام است ، و بر زن واجب است که همسر خود را از این عمل باز دارد و با آن مخالفت ورزد که با در خواست شوهرش در این مورد موافقت نکند زیرا اطاعت از مخلوق در مقابل مخالفت با خالق جائز نیست .

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (۳ / ۲۰۴) می فرماید : اگر مسلمانی معتقد به جواز آمیزش با حائض در فرجش (از راه طبیعی) باشد ، کافر و مرتد می شود ؛ و اگر کسی این کار را انجام دهد و معتقد به حلال بودن آن نباشد اگر فراموش کرد یا از وجود حیض خبر نداشت یا ندانست که حرام است یا کسی به زور او را وادار به این کار کرد ، هیچ گناهی بر او نیست و کفاره هم ندارد ؛ اما اگر عمداً و با آگاهی از فرا رسیدن حیض تحریم آن و با اختیار ، با زن حائض آمیزش کرد مرتکب گناهی کبیره شده است ، امام شافعی هم به کبیره بودن آن تصریح کرده است . بر او واجب است که توبه کند ، و در وجوب کفاره بر او دو نظر وجود دارد . در حدیث ابن عباس (رض) آمده است : پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره مردی که با زن حائض خود آمیزش کرده بود ، فرمودند : « یتصدق بدینار أو نصف دینار » (يك یا نصف دینار صدقه دهد).

(صحیح سنن ابن ماجه : ۵۲۳) ، (سنن ابو داود : ۲۶۱ / ۴۴۵ / ۱) ، (سنن نسائی : ۱۵۳ / ۱) ، (سنن ابن ماجه : ۶۴۰ / ۲۱۰ / ۱) . مختار بودن شخص (در پرداخت نصف دینار یا يك دینار) که در حدیث آمده به تفاوت بین اول حیض و آخر آن بر می گردد . به دلیل حدیث موقوفی که از ابن عباس روایت است که :

« إِنْ أَصَابَهَا فِي فُورِ الدَّمِ تَصَدَّقَ بِدَنِيَارٍ وَإِنْ كَانَ فِي آخِرِهِ فَنَصَفَ دِنْيَارٌ » (اگر در ابتدای حیض با او آمیزش کرد يك دنیار و اگر در آخر حیض با او آمیزش کرد نصف دینار صدقه بدهد.) (صحیح سنن ابو داوود : ۲۳۸) ، سنن ابو داوود (عون المعبود) : ۲۶۲ / ۲۴۹ / ۱

نظر اطباء در مورد قرابت جنسی در مدت حیض

طب امروزی بر این امر معتقد است که : « دوره حیض با وصف آنکه يك امر کاملاً طبیعی می باشد برای زنان موجب درد های مختلف می گردد . در زمان حیض عادتاً دگرگونی هایی در مزاج زنان به مشاهد رسیده ، در تمام بدن احساس کرفتگی نموده و دردهای شدیدی را در کمر احساس می نمایند .

به علاوه درد های دیگری نیز دیده می شود که همه در ذات خود از جمله اعراض حیض به حساب می رود. اگرچه از لحاظ علمی حیض را نمی توان مرض مسما نمود اما خطرات آن از مرض کمتر نیست زیرا زن دردهایی در دوران حیض احساس می کند که به ضعف شدید جسمانی مبتلا می گردد . و برخی از اوقات شدت این درد ها در عده ای از زنان موجب ایجاد قولنج ها گردیده و زیادتیر وقت با اعراض هیستری همراه گردیده و به بیهوشی می انجامد.

هدف از توضیح این نکات به منظور آنست که فقط زن است که در معرض تمام این مشکلات قرار گرفته است . همچنان کلمه « آذی » که در آیت متبرکه ذکر از آن به عمل آمده است مفهوم پلیدی خون و کثافت محل را می رساند که مرد مذهب را به دوری از آن و ا می دارد.

باید تذکر داد که ترشحات بدن انسان به دئوع تقسیم می گردد : یکی از آنها دارای فایده و به نفع جسم انسان است ، مانند ترشحاتی که به هضم غذا و یا تناسل و تولد کمک می نماید و یا ترشحاتی داخلی که جهاز و بافت های جسم را تنظیم می کند این نوع ترشحات برای حیات و دوام آن ضروری ، و بدون ضرر می باشد. نوع دوم ترشحاتی است که بدون فایده است و لازم آن را از جسم دور ساخت ، اگر این مواد که سمی است در بدن باقی بماند ، به جسم زیان می رساند . مانند ادرار و مدفوع ، عرق و حیض و...

خون حیض که خون فاسد و نجسی است ، از جمله ترشحات مضره به حساب آمده و باید از بدن خارج گردد ، این خون دارای میکروب هایی است که نه تنها موجب درد ها برای زن می شود بلکه اگر عمل جنسی در این مدت صورت بپذیرد موجب التهابات حاد اعضاء تناسلی مرد نیز می گردد. زیرا می کروب به داخل قنات بولی راه یافته و بعضاً مثانه و هر دو حالب را نیز مصاب می سازد ؛ و در برخی از اوقات التهابات به غده کوبر ، پروستات ، غده های تولید کننده منی ، خصیه ها و باریخ نیز سرایت می کند.

التهاب قنات بولی موضوع ساده نیست بلکه درد ها و عوارضی بر شخص می گذارد که طاقت فرسا می باشد. و برخی از اوقات همین التهابات مانع دفع ادرار می گردد . و یا هم انسان را به درد های شدید مواجه می سازد ؛ که تحمل ناپذیر است. این التهابات با افزایشات شدید مذی همراه بوده که در حالات پیشرفته با خون توأم می شود. و موجب تب ، لرزه و در نهایت موجب ضعف جسمی می گردد. اگر این التهاب مجری خلفی را مصاب سازد اندازه چرك با خون آمیخته گردیده و زمینه ادرار را به مشکلات مواجه ساخته و انسان به درد های شدید مواجه می گردد ، جسم ضعیف شده و موجب کم اشتیاهی می گردد ، واکثراً این وضعیت با تب و سرعت ضربان قلب دوام می یابد و در زیادتیر از موارد به مرض مزمن مبدل می گردد و خطرات دیگری را از جمله

التهابات حشفه وقلفه را به وجود آورده ، ودر نهایت در بسیاری موارد موجب عملیه قطع ذکر می انجامد تا از مسموم شدن سایر بدن جلوگیری به عمل آید.

آنچه تا اکنون ذکر نمودیم به سبب التهاب بسط در مجری بولی می باشد وبعید نیست که اگر التهاب به حالب ها وقاعده کلیه ها سرایت کند و مانع پائین شدن بول گردد این عمل در قدم نخست موجب تسمم خون شده وخطر حتمی مرگ در قبال دارد.

اموری که در حال حیض مباح است:

در حدیث متبرکه از انس بن مالک (رض) روایت است که : « زنان یهود زمانیکه دوره حیض شان فرا می رسید ، آنان را از خانه بیرون می کردند واز خوردن ونوشیدن با او دوری می نمودند ، صحابه کرام این مسأله را از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند . در جواب سؤال صحابه این آیت متبرکه نازل شد: « **وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى ..** » تا آخر آیت ، پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از قرائت این آیت متبرکه فرمود :

« با زنان حیض در يك خانه زندگی کنید وهر کاری دیگری را انجام دهید الا جماع » (این حدیث را مسلم ، نسائی ، ابو داوود ، ترمذی ، وابن ماجه روایت کرده است .)

نفاس چیست:

نفاس خونی است که بعد از ولادت یا بعد از خروج اکثریت حصه طفل (ولو سقط هم باشد) از شرمگاه زن خارج می شود.

حد اعظم مدت نفاس چهل روز ، حد اقل ندارد وثبوت آن به نشانه دیگری غیر از ولادت محتاج نیست . (امام شافعی (رح) حد اعظم مدت نفاس را شصت روز وحد اکثر آنرا چهل روز معرفی داشته است در حالیکه امام مالک حد اعظم نفاس را شصت روز معرفی نموده است .

از أم سلمه (رض) روایت است : « **كانت النفساء تجلس على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم أربعين يوما** » « **نفساء** » (زنانی که وضع حمل می کنند) زمانی پیامبر صلی الله علیه وسلم چهل روز می نشستند (یعنی نماز وروزه را ادا نمی کردند) (صحیح سنن ابن ماجه ، (۵۳۰) ، سنن ابو داوود (عون المعبود) : ۳۰۷ / ۵۰۱ / ۱) ، (سنن الترمذی) ۱۳۹ / ۹۲ / ۱) (سنن ابن ماجه ۶۴۸ / ۲۱۳ / ۱)

استحاضه:

استحاضه عبارت از جاری شدن خون از قسمت پائین رحم در غیر وقت حیض ونفاس. پس هر خونی که بیشتر از مدت حیض یا نفاس ویا کمتر از حد اقل آن ، یا قبل از سن حیض که نه سالگی است ، بیاید استحاضه می باشد.

یادداشت :

اگر زن مستحاضه ای بالغ شد وتوانائی تشخیص دادن (خون حیض وغیر آن) را نداشت ، به عادت رایج در زنان (خویشاوندش) مراجعه کند ، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به حمنه بنت جحش :

«إنما هذه ركضة من ركضات الشيطان فتحيضى ستة أيام أو سبعة في علم الله، ثم اغتسلى، حتى إذا رأيت أنك قد طهرت واستنقيت فصلى أربعاً وعشرين ليلة أو ثلاثاً وعشرين وأيامهن، وصومى فإن ذلك يجزيك وكذلك فافعل فى كل شهر، كما تحيض النساء وكما يطهر لميقات حيضهن وطهرن» (این ضربه ای از ضربات شیطان است، و توشش یا هفت روز را (خدا مدت آن را می داند) حیض حساب کن، سپس وقتی دیدی که پاک شدی، غسل کن، بیست و چهار یا بیست و سه شبانه روز نماز بخوان و روزه بگیر، این تو را کفایت می کند، و در هر ماه اینچنین عمل کن، همانطور که زنان در اوقات مشخصی حیض و پاک می شوند) .

(سنن ابوداود (عون المعبود) : ۲۸۴ / ۴۷۵ / ۱)، (سنن الترمذی: ۱۲۸ / ۴۷۵ / ۱)، (سنن ابن ماجه : ۶۲۷ / ۲۰۵ / ۱)

احکام مستحاضه:

آنچه بر زن حیض حرام می شود بر مستحاضه حرام نیست. ولی بر زن مستحاضه واجب است که برای هر نمازی وضو بگیرد؛ به دلیل فرموده پیامبر صلی اله علیه وسلم به فاطمه بنت ابی حبیث: «ثم توضي لكل صلاة» (سپس برای هر نمازی وضو بگیر) (صحیح سنن ابن ماجه : ۵۰۷)، (سنن ابوداود (عون المعبود) : ۱۹۵ / ۴۹۰ / ۱) (سنن ابن ماجه : ۶۲۴ / ۲۰۴ / ۱)

سیلان الرحم :

سیلان الرحم عبارت از حالتی است که :
از فرج زن رطوبتی به رنگ سفید یا زرد به طور مرتب و پیهم خارج می شود. احکام سیلان الرحم مانند احکام استحاضه می باشد. زن مبتلا به سیلان الرحم باید نماز بخواند، روزه بگیرد و قرآن را تلاوت کند. البته برای هر نماز وضوی جداگانه گرفته هنگام استنجا فرج خود را خوب پاک بشوید.

حسن خاتمه :

در اخیر این مقاله من حیث حسن خاتمه از پروردگار با عظمت می خواهم که اول مرا و بعداً سایر نویسندگان محترم مرا هدیت فرمایند که در تفسیر کلام الهی با امانت داری و فهم قرآنی و انسانی برخورد نموده و از استهزاء و اهانت جلوگیری به عمل آرند.

واخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

منابع عمده :

کتاب روح الدین الاسلامی: نوشته: عقیف عبد الفتاح طباره

تفسیر کابلی،

صحیح مسلم،

صحیح بخاری،

ریاض الصالحین،

ارکان و شرایط و احکام نکاح، تألیف: مولوی داکتر محمد سعید « سعید افغانی»